



## الگوی مناسب ایجاد دانشگاه کارآفرین

دکتر علی تقی پور ظهیر\*

دکتر نرگس حسن مرادی\*\*

### چکیده

مفهوم دانشگاه کارآفرین در دو دهه اخیر به طور جدی مورد توجه صاحبانظران و نظریه پردازان حوزه آموزش عالی قرار داشته است. توجه به مفهوم کارآفرینی در دانشگاههای کشور نیز با ابلاغ طرح «کاراد» (کارآفرینی در دانشگاهها) از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاهها از اواخر سال ۱۳۷۹ آغاز گردید. تاکنون ۲۹ دانشگاه در کشور به این طرح پیوسته و مراکز کارآفرینی را راه اندازی و فعال نموده‌اند. مطالب فوق محقق را بر آن داشت تا به منظور دستیابی به اهداف ذیل تحقیقی را در این زمینه انجام دهد:

- شناخت مؤلفه‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین
- تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین
- شناخت الزامات اجرایی و مراحل ایجاد دانشگاه کارآفرین

با مراجعه به پژوهش‌های انجام شده، و مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی و بررسی شبکه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی مؤلفه‌های اصلی دانشگاه کارآفرین شناسایی و پیش‌نویس الگوی آن تدوین گردید. سپس با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته نظرات و پیشنهادات کارشناسان و متخصصان در زمینه کارآفرینی در دانشگاه‌هایی که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای گزینش شده بودند جمع‌آوری و اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون آماری تحلیل عاملی در نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شد. سرانجام الگوی نهایی دانشگاه کارآفرین با ۹ مؤلفه اصلی و ۳۷ مؤلفه فرعی با ۸۳/۲ درصد مورد تأیید قرار گرفت.

### واژگان کلیدی

کار آفرینی، سازمان کارآفرین، دانشگاه کارآفرین، دانشگاه نوآور

\* دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

## مقدمه

با نگاهی گذرا به تغییرات و تحولات سریع و شگرفی که به طور روزافزون در پیرامون ما واقع می‌شود، می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که جوامع بشری در تمامی ابعاد و شئون مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و تکنولوژیکی دستخوش دگرگونی‌های بنیادینی شده‌اند که عنصر ذاتی و مشترک تمامی آنها نمود یافتن و بارز شدن نقش دانایی و علم به عنوان منبع و منشأ اصلی چنین تحولاتی است. عامل کلیدی و اثرگذار دیگر بر این تحولات را نیز می‌توان کیفیت تولیدات و قابلیت و توان پاسخگویی سازمانها به نیازهای متکثر و متنوع جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی برشمرد.

هر یک از این عوامل چه به طور مستقیم و چه به صورت تعاملی و در ارتباط متقابل با یکدیگر، ایجاد تغییرات و تحولات در چشم‌اندازها، اهداف، سیاستها و روشها را در سازمانهای مختلف الزامی کرده است. بدیهی است برنامه‌ریزی و مدیریت موثر چنین سازمانهایی مستلزم داشتن درک و برداشتی سیستماتیک و هدفمند نسبت به تحولات فوق از یکسو و شناخت و تحلیل عوامل درون سیستمی از سوی دیگر است.

از مهم‌ترین محورهای اساسی که بر طراحی، سازماندهی، رهبری و ارزیابی سازمانهای نوین تأثیر گذارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- داشتن چشم‌اندازی روشن و دوراندیشانه در راستای تحقق «توسعه پایدار»
  - ۲- شناخت دقیق قوت‌ها، ضعفها، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT)<sup>۱</sup>
  - ۳- پویایی و توان سازگاری با محیط (سازمانی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی)
  - ۴- مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سازمانی و اجتماعی (درونی، بیرونی)
  - ۵- تأکید بر دانایی در تمامی فرایندهای سازمانی و تواناسازی کارکنان (سازمان یادگیرنده)
  - ۶- تأکید مستمر بر کیفیت<sup>۲</sup>، خلاقیت<sup>۳</sup>، و نوآوری<sup>۴</sup>
  - ۷- تأکید بر بهره‌وری، رقابت‌پذیری، بازاریابی و مشتری‌محوری
- بر این اساس سازمانهای مختلف اجتماعی تنها زمانی از کارایی و اثر بخشی لازم برخوردار خواهند بود که اصول فوق را متناسب با ماهیت و مقتضیات خاص خود در کلیه برنامه‌ها،

فرایندها و فعالیتهای سازمانی مطمح نظر قرار دهند. تاکنون تلاش‌های قابل توجهی از سوی اندیشمندان و صاحب نظران علوم سازمانی به منظور طراحی و تدوین چارچوب نظری ایجاد و مدیریت چنین سازمانهایی صورت پذیرفته و تئوری‌های سازمانی و مدیریتی متعددی نیز عرضه شده است. به طوری که نظریه «کارآفرینی»<sup>۵</sup> در پرتو مطالعات و تحقیقات متعددی در رابطه با تبیین و تحلیل ابعاد سازمان کارآفرین، ویژگی‌ها و مشخصات آن و چگونگی مدیریت و رهبری چنین سازمانی از سوی دانشمندان مختلف انجام شده است، از جامعیت و کارآمدی بیشتری برخوردار می‌باشد. مفهوم کارآفرینی ابتدا در سازمانهای تولیدی و صنعتی مورد توجه و استفاده قرار گرفته، به سرعت وارد حیطه سایر سازمانهای اجتماعی و خدماتی نیز گردید. از این رو دانشگاه‌ها هم به عنوان مهم‌ترین مرکز تولید دانش و تأمین کننده نیاز نیروی انسانی متخصص، از جمله پیشنازترین چنین سازمانهایی به شمار می‌آیند. مدیران و رهبران بصیر دانشگاهی به سرعت دریافتند در صورتی که نتوانند مفاهیم و اصول کارآفرینی را در فرآیندهای تولید و انتشار دانش، تربیت دانش‌آموختگان توانمند و پاسخگویی به نیازهای تخصصی متنوع جامعه و به طور کلی در تمامی کارکردهای خود وارد نمایند، نمی‌توانند به بقاء و توسعه آتی خود چندان امیدی داشته باشند. گزارش‌ها و اسناد موجود نشان می‌دهد که دانشگاههای کشور (دولتی و غیر دولتی) با بحران‌ها و چالش‌های درونی متعددی در زمینه‌های تأمین منابع مالی، پاسخگویی به تقاضای روز افزون اجتماعی، حفظ استانداردهای کیفیت آموزش، تأکید بر پژوهشهای علمی و الگوهای مؤثر مدیریت و رهبری دانشگاهی مواجه می‌باشند.

از سوی دیگر دانشگاهها تحت تأثیر نیروهای بیرونی قدرتمندی همچون انفجار دانش، جهانی سازی، گسترش شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICT)، جذب نخبگان و مغزها از سوی رقبا و ضرورت بکارگیری الگوهای نوین و غالب مدیریت و رهبری کارآفرین واقع هستند. لذا برآیند و تعامل این فشارهای درونی و بیرونی ایجاد تحولات بنیادین در ساختار و مدیریت دانشگاهی را ضروری و حیاتی نموده است. به عبارت دقیق‌تر چنانچه دانشگاههای کشور بخواهند ضمن کاهش و برطرف ساختن مشکلات درونی خود به نحو مؤثری با تغییرات و

## 5. Entrepreneurship

۶- مراجعه شود به: «چالش‌های آموزش عالی در ایران». سخنرانی افتتاحیه وزیر علوم ... در هشتمین اجلاس هیأت‌های امنای دانشگاهها نشریه نمود، شماره ۸، آبان ۸۲. «جایگاه مطلوب آموزش عالی در کشور»، جلال رسول‌اف، مدیر عامل بانک کشاورزی، فصلنامه علم و آینده، شماره ۲، تابستان ۸۱.

1. Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats.  
2. Quality  
3. Creativity  
4. Innovation

دقیق تنگناها، محدودیتها، نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصتهای موجود است.

گرچه مطالب فوق ضرورت‌های اساسی اجرای این طرح را نشان می‌دهد، لیکن به منظور بیان دقیق‌تر ضرورت و اهمیت اجرای این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- انجام رسالت‌های دانشگاه از طریق روشهای مرسوم و سنتی نه تنها مشکلات موجود را کاهش نمی‌دهد. بلکه موجب ایجاد بحران‌های جدیدی خواهد شد که ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در برنامه‌ها و مدیریت و رهبری دانشگاهها را الزامی می‌نماید.

- گسترش مفهوم کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت در کلیه زمینه‌های تولیدی و خدماتی، دانشگاهها را ملزم به توجه دقیق به مفهوم کارآفرینی نموده است.

- دانشگاهها برای حفظ موقعیت برتر خود در تولید، توزیع و انتشار دانش ناگزیر از پذیرش مفهوم کارآفرینی در آموزش دانشجویان، انجام پژوهش‌های نیاز محور و کاربردی و پاسخگویی دقیق به نیازهای مشاوره تخصصی هستند.

- بحث کارآفرینی در دانشگاهها تا کنون بیشتر بر جنبه‌های آموزش و ترویج این مفهوم تاکید داشته و ایجاد دانشگاه کارآفرین در دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری نیازمند ارائه چهارچوب مفهومی دقیق است که از طریق مطالعات تطبیقی و انجام پژوهشهای کاربردی و توسعه‌ای امکان‌پذیر خواهد شد.

### مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

آموزش عالی طی دهه‌های اخیر متناسب با تغییرات و تحولات اجتماعی و اقتصادی محیط پیرامون خود، دستخوش دگرگونی‌های بنیادینی شده است. گرچه هر یک از این تغییر و تحولات خواستگاهها و آثار متفاوتی داشته‌اند، لیکن در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت دانشگاهها ضمن حفظ جایگاه و قداست سنتی خود با چالش‌های مالی، ساختاری و مدیریتی بنیادینی رو به رو بوده‌اند که آنها را به واکنش‌های خواسته و ناخواسته ناگزیر ساخته است. برآیند کلی این فشارها، دانشگاهها را به سمت خودگردانی، نوآوری، تنوع‌گرایی، پاسخگویی، نتیجه‌گرایی و ... سوق داده است. صاحب نظران و اندیشمندان آموزش عالی بر این نکته تاکید دارند که دانشگاهها از طریق توجه جدی به مفهوم کارآفرینی می‌توانند تا حدود زیادی به چالش‌ها و فشارهای فوق پاسخی مناسب و شایسته دهند. بر همین اساس طی سال‌های اخیر نظریه‌ها و الگوهای متعددی در زمینه چگونگی تحول دانشگاهها به سمت

تحولات محیطی سازگار شوند، باید از طریق انجام مطالعات گسترده و عمیق، مدل مفهومی و نظری کارآمد و اثربخشی را برای طراحی و مدیریت علمی و اجرایی خود تدوین نمایند.

صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه آموزش عالی، کارآفرینی را شرط بقا و توسعه دانشگاهها به شمار می‌آورند. سیاست‌های کلان کشور و طرح نظام ملی نوآوری، نیز توجه به کارآفرینی را در زمان تدوین برنامه سوم توسعه به ویژه در سطح چند وزارتخانه مطرح ساخته است. لذا این تحقیق بر آن بوده است مؤلفه‌های اصلی «دانشگاه کارآفرین» را شناسایی کند و الگوی مناسب ایجاد و توسعه دانشگاه کارآفرین را تدوین نماید و متناسب سازی این الگو با واقعیت‌ها و شرایط موجود دانشگاهها را نیز از طریق مطالعات میدانی و نظر سنجی از متخصصان آموزش عالی کشور در زمینه کارآفرینی را به انجام رساند.

### بیان مسئله و ضرورت پژوهش

با تاکید بر نقش آموزش در تربیت نیروهای انسانی یک جامعه و نقش اساسی آن در فرآیند توسعه ملی، مردم یک جامعه از نظام‌های آموزشی به طور عام و نظام آموزش عالی به طور خاص انتظار دارند تا در ساختار توسعه همه جانبه یک کشور سهیم باشند. چنانچه نظام آموزش عالی از توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه و دانشجو در زمینه آموزش و تربیت نیروی انسانی، پژوهش و انجام خدمات مشاوره‌ای، امکان رشد و تعالی و انطباق با تحولات شگرف علمی - تکنولوژیکی و محیطی برخوردار باشند، در آن صورت به عنوان یک نظام پویا، و کارآمد و اثر بخش قادر به رقابت در عرصه پرتحول خواهد بود. همچنین ضمن حل مشکلات و مسائل گذشته خود توانایی برخورد با مسائل جدید را داشته و با اعمال سیاست‌ها و راهکارهای نو همچنان کارآمد و به روز خواهند ماند. موفقیت آینده دانشگاهها وابسته به توان پاسخگویی آنها در مقابل تغییر و تحولات است. لذا به منظور شناخت و تأمین نیازهای آینده لازم است تا رهبران و سیاستگذاران دانشگاهها تغییرات عمیق و وسیعی در رسالتها و اهداف خود ایجاد نمایند و دانشگاه را با شیوه‌های کاملاً نو و متفاوت از گذشته اداره کنند تا امکان بقا و رشد دانشگاهها مقدر گردد. لذا ایجاد تغییر و تحول اساسی و زیر بنایی در کلیه ابعاد و ارکان بزرگترین سیستم‌های آموزشی (دانشگاه) امری حیاتی و از مباحث حاد دنیای امروز است. ایجاد تحول و دگرگونی در نظام‌های آموزش عالی و دانشگاهها به عنوان یک ضرورت حیاتی در مسیر توسعه از یکسو نیازمند مطالعه جامع مبانی نظری و از سوی دیگر مستلزم شناسایی

که هدایت کننده و حمایت‌گر افزایش سطوح فعالیت‌های کارآفرینی می‌باشد را فراهم نماید.

- سیاست‌ها باید تعیین کننده توسعه سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌پذیر و برانگیختن انگیزه‌های افراد خصوصی برای سرمایه‌گذاری باشد.
- در کشورهای پیشرفته اروپایی تحت برنامه‌های کمیسیون اقتصادی اروپا اقدامات گوناگونی در زمینه ارتقای کارآفرینی انجام گرفته است.
- در کشورهای اروپایی عضو بلوک شرق سابق که نظام اقتصادی آنها در حال گذر از اقتصاد بسته به اقتصاد بازار آزاد می‌باشد، توسعه، بسط و ترویج کارآفرینی در دستور کار دولت‌های آنها قرار گرفته و در این مورد به شدت به کمک‌های فنی مشاوره‌ای خارج از کشورشان (اتحادیه اروپا) وابسته شدند.
- در کشورهای تازه توسعه یافته مانند تایوان و مالزی توجه خاصی به کارآفرینی و نتایج آن در رشد اقتصادی آن کشورها شده است.

**دانشگاه ویرجینیای غربی (W.V.U)<sup>۱</sup>** به عنوان یکی از دانشگاه‌های معتبر که از اواخر دهه ۹۰ به طور جدی با چالش‌ها و مشکلات متعدد درونی و محیطی رو به رو بوده است، هیأتی از محققان و سیاست‌گذاران توسعه دانشگاهی با مدیریت دانشکده اقتصاد و بازرگانی مسئولیت انجام بررسی‌های بیشتر و یافتن راه‌کارهای اثربخش را بر عهده گرفت. اما توصیه اصلی این گروه مطالعات بر ایجاد و بسط نظریه کارآفرینی و سازگار نمودن ابعاد مختلف دانشگاه با این نظریه بود و کارآفرینی را به عنوان فرآیندی برنامه‌ریزی شده و جامع که در برگیرنده ابعاد فرهنگی، ساختاری و مدیریتی است، تعریف کرده و به دنبال مطالعات فوق و بر اساس مدل مذکور، تغییرات جدی و گسترده‌ای در فعالیت‌های دانشگاه ویرجینیا به منظور شناسایی، استقرار و توسعه فرآیندهای کارآفرینی در تمامی ابعاد آموزشی، پژوهشی و مدیریتی صورت پذیرفت. بارزترین نتیجه مطالعه مذکور تأسیس مرکز کارآفرینی در این دانشگاه بوده است. (<http://www.be.wvu.edu/ec/about.htm>)

**دانشگاه مارکوئیت<sup>۲</sup>** به عنوان یکی از ۱۰۰ دانشگاه کارآفرین برتر ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۲ معرفی شده است. در یک بررسی که دانشگاه‌ها بر اساس ۳۰ معیار کارآفرینی دانشگاه همچون ارائه رشته‌ها و دوره‌های آموزشی جدید، بکارگیری

کارآفرینی تدوین و عرضه شده است. همچنین تحقیقات و پژوهش‌های چندی در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی، ساختاری و مدیریتی صورت گرفته است.

در این پژوهش مبانی نظری و سوابق پژوهشی داخلی و خارجی که در زمینه کارآفرینی دانشگاه و ایجاد دانشگاه کارآفرین صورت گرفته بررسی، و ابعاد و ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

گرچه مفهوم «دانشگاه کارآفرین» و حتی مفهوم کارآفرینی به طور عام در کشور ما سابقه چندانی ندارد، ولی بررسی سوابق علمی و پژوهشی مربوط نشان می‌دهد که تحقیق و پژوهش در این زمینه در سایر کشورها و نظام‌های دانشگاهی حداقل از ربع قرن پیش آغاز شده است.

بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تا قبل از شروع برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. مسائل و مشکلات مربوط به بیکاری و پیش‌بینی حادث شدن آن به ویژه در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهها موجب گردید تا در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع کارآفرینی در سطح چند وزارتخانه من جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مطرح شود و اعتباراتی در این راستا پیش‌بینی گردد. بر اساس برنامه سوم توسعه طرحی تحت عنوان «طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاههای کشور» که به اختصار «کاراد» نام گرفت تدوین و اجرای آن با نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری در اواخر سال ۷۹ به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار گردید.

در ایران به عنوان نمونه محمود احمدپورداریانی و همکاران، (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی تجارب کارآفرینی در بیست و یک کشور پرداخته و به نتایج کلی زیر دست یافته است:

- سیاست‌های اتخاذ شده و تقویت ظرفیت کارآفرینی یک جامعه بیشترین تاثیر را در سطح فعالیت‌های کارآفرینی خواهد داشت.
- تأثیر مشارکت زنان در کارآفرینی ضرورت همیشگی بر اقتصاد می‌باشد.
- سیاست‌ها باید افراد زیر ۲۵ سال و بالای ۴۴ سال را برای شرکت در فرآیند کارآفرینی تشویق کنند.
- هر دولتی که متعهد به پیشرفت اقتصادی است باید حمایت‌های لازم را برای کلیه جنبه‌های سیستم اقتصادی

<sup>۱</sup>. West Virginia University

<sup>۲</sup>. Marquette University

- ارزیابی و بازخورد مستمر و همه جانبه نسبت به تمامی برنامه‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی در دانشگاه.

(<http://cgi.swin.edu.au/forums/read.php>)

کارآفرینی در دانشگاه «توونت»<sup>۳</sup> در اواسط دهه ۱۹۹۰ و پس از مواجه شدن با چالش‌ها و مشکلات بیرونی و درونی از یک سو و مطالعات و پژوهش‌های محققان جوان و نوآور خود از سوی دیگر، بحث کارآفرینی را به طور جدی مطرح و پیگیری نموده به نحوی که در سالهای آغازین قرن جدید خود را به عنوان یک دانشگاه پیشرو در طرح‌های کارآفرینی معرفی کرده است. این امر در واقع از طریق برقراری ارتباط نزدیک این دانشگاه با انواع صنایع بزرگ و کوچک محلی و ملی و مخصوصاً با ایجاد روابط متقابل با شرکت‌های تازه تأسیس با «تکنولوژی پیشرفته»<sup>۴</sup>، تحقق یافته است. در سال ۲۰۰۳ این دانشگاه دارای یکی از «پارک‌های علمی تحقیقاتی»<sup>۵</sup> فعال و گسترده است که از طریق آن در ۱۰ سال گذشته با بیش از ۵۰۰ شرکت تولیدی با تکنولوژی‌های سطح بالا و پیشرفته که بیش از ۳۵۰۰ عضو را شامل می‌شوند، در ارتباط بوده است. (Clark, 1998, P3)

در پارک‌های علمی و تحقیقاتی این دانشگاه هر نوع اندیشه و ایده علمی یا طرح‌های تولیدی و خدماتی جدید دانشجویان، اساتید و کارکنان و یا حتی اعضای بیرون از دانشگاه و همچنین شرکت‌ها و مراکز تولیدی و صنعتی محلی، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد و زمینه‌های لازم برای پرورش و رشد و نمو آنها فراهم می‌گردد. (Frits, 1999, P58) این سالها دانشگاه با تأکید بر مفهوم و فرهنگ کارآفرینی توانسته است منابع مالی جدید را شناسایی و به خوبی از آنها بهره‌برداری نماید. علاوه بر این فارغ‌التحصیلان اخیر دانشگاه در راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک و گاهی نیز بزرگ و گسترده موفقیت‌های چشمگیری به دست آورده‌اند. این عامل خود به تنهایی موجب شهرت و محبوبیت دانشگاه و در نتیجه افزایش ثبت‌نام‌ها و درآمدهای ناشی از آن شده است.

به طور خلاصه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دانشگاه کارآفرین بدون تردید نیازمند بکارگیری فنون و تکنولوژی‌های جدید در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی، مدیریت، عملیات و کنترل و نظارت فعالیت‌ها است. که طیف وسیعی از فنآوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) تا ابزارها و سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای آزمایشگاهی و کارگاهی را دربر می‌گیرد. در واقع دانشگاه کارآفرین خود تماماً یک آزمایشگاه بزرگ برای آزمون و سنجش همیشگی انواع فرضیه‌های مدیریتی، آموزشی، پژوهشی و تولیدی و عملیاتی است.

روشهای نوین آموزشی، تأسیس مؤسسات و مراکز پژوهشی، برنامه‌های جانبی، استفاده از روشهای جدید ارزشیابی کادر علمی و فارغ‌التحصیلان، ارزیابی مدارک، گواهی‌نامه‌ها و درجات تحصیلی، توسعه ارتباطات با صنعت و تجارت و ابتکارات و خلاقیت‌های علمی و اجرایی، مورد ارزیابی و طبقه‌بندی قرار گرفته‌اند. این دانشگاه با بیش از ۷۰۰ برنامه کارآفرینی از جمله دانشگاه‌های موفق در زمینه کارآفرینی شناخته شده است. و به موازات برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مختلف کارآفرینی، به تأسیس «مرکز کارآفرینی کهلر»<sup>۱</sup> مبادرت نموده است.

این مرکز بر این اعتقاد است که کارآفرینی نه تنها دارای فوائد اقتصادی است بلکه منجر به رشد کلی و عمومی جامعه می‌گردد. (<http://www.marquette.edu>, 2003)

دانشگاه کارآفرین سوئین‌برن<sup>۲</sup>: طرح توسعه کارآفرینی در این دانشگاه یکی از محورهای فعالیت‌های اساسی است که در چشم‌انداز توسعه ده ساله این دانشگاه تعیین شده است. برنامه کارآفرینی در چهارچوبی وسیع و گسترده و با اهدافی کلان که نه تنها دارای فعالیت‌ها و برنامه‌های درون دانشگاهی، بلکه علاوه بر آن به طور جدی شامل ارتباطات محیطی با مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی می‌باشد، در نظر گرفته شده است. این دانشگاه به عنوان نهادی اجتماعی که مسئولیت اصلی آن پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه است، خود را متعهد می‌داند و با تأکید اساسی بر جنبه‌های نظری و رویکرد فرهنگی کارآفرینی معتقد است به:

- توسعه و تحکیم فرهنگ و ارزشهای کارآفرینی در میان مدیران و برنامه‌ریزان ارشد دانشگاه.
- بازنگری و اصلاح چشم‌اندازها، اهداف و سیاستهای کلان توسعه دانشگاه.
- تدوین مدل و فرآیندهای عملیاتی کارآفرینی متناسب با ساز و کارهای آکادمیک.
- ایجاد ضمانت‌های اجرایی و پیش‌بینی عوامل حمایتی و انگیزشی لازم برای تحقق اهداف کارآفرینی دانشگاه.
- حمایت‌های سازمانی و مالی از طرح‌های خلاقانه و کارآفرینانه مدیران، اعضاء هیأت علمی، دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و انجمن‌ها و نهادهای دانشگاهی.
- برقراری ارتباطات مستمر با نهادهای تجاری - اقتصادی محیطی همچون انجمن‌ها، سرمایه‌گذاران حقیقی، بانکها، بنگاههای اقتصادی و تولیدی و سایر مؤسسات و مراکز علاقمند.

3. Twent university  
4. High - Tech  
5. Scientific and Research Park

1. Kohler Center for Entrepreneurship  
2. Swinburne University

آنها مشتمل بر چند مؤلفه اصلی می‌باشند. مؤلفه‌های اصلی نیز خود تعدادی مؤلفه فرعی را شامل می‌شوند. جدول زیر مؤلفه‌های مورد بررسی این طرح را نشان می‌دهد:

#### مؤلفه‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین

دسته‌های کلی	مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی
	زیر ساخت‌ها	اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - علمی
	مبانی نظری	دانشگاه یادگیرنده - مدیریت خلاقیت - سازمان کارآفرین - مدیریت کیفیت جامع - تحلیل SWOT - دانشگاه پاسخگو - یادگیری از دیگران.
عوامل بیرونی	اهداف	شناسایی و تقویت استعدادها و ظرفیت‌ها - شناسایی فرصت‌ها و استفاده بهینه از آنها - فراهم کردن زمینه بروز و پرورش ایده‌ها و خلاقیت‌ها - ایجاد، تحکیم، تعمیم و توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه - کسب جایگاه ویژه در ارائه خدمات علمی و تخصص مورد نیاز جامعه
عوامل درونی	زمینه	چشم انداز - برنامه استراتژیک - ساختار - آماده سازی.
	درون داد	عوامل انسانی - منابع مالی - برنامه‌های عملیاتی - امکانات.
	فرآیند	روشها - رهبری - نظام اداری - محیط.
	برون داد	محصولات - رضایت - فرهنگ کارآفرینی.
	ارزیابی و توسعه	ارزیابی درونی - ارزیابی بیرونی - بازنگری و اصلاح.
	پیامد	مرجعیت - منزلت - الگو سازی.

بر اساس اطلاعات جمع آوری شده مربوط به سؤال پژوهشی اول می‌توان گفت الگوی دانشگاه کارآفرین دارای ۹ مؤلفه اصلی و ۳۷ مؤلفه فرعی است.

● ایجاد دانشگاه کارآفرین مستلزم وجود زیرساخت‌های اساسی همچون زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی است که زمینه مناسب برای بسط و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی در دانشگاه را مهیا می‌سازد. همچنین برخی از نظریه‌های علمی همچون نظریه سازمان کارآفرین، نظریه مدیریت خلاقیت و نوآوری، نظریه دانشگاه پاسخگو و تحلیل SWOT به عنوان چارچوب‌های حمایت‌گر نظریه دانشگاه کارآفرین شناخته شده‌اند. علاوه بر این بر اساس ویژگی‌های اساسی دانشگاه کارآفرین، برخی هدف‌های اصلی همچون شناسایی فرصت‌ها و استفاده از آنها، ایجاد، تحکیم و

#### سئوالات پژوهش:

سئوالات پژوهشی که این تحقیق به دنبال پاسخگویی آنها بوده است عبارتند از:

- مؤلفه‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین چیست؟
- چه الگویی را می‌توان برای ایجاد دانشگاه کارآفرین ارائه داد؟
- درجه تناسب الگوی پیشنهادی از نظر متخصصان کارآفرینی در آموزش عالی کشور به چه میزان است؟
- الزامات و مراحل اجرایی الگوی دانشگاه کارآفرین در دانشگاه‌های کشور چیست؟

#### روش پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق توسعه‌ای است. زیرا با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به دنبال بهبود و به کمال رساندن روش‌ها، ساختارها و الگوهای موجود می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه بخشی از پژوهش حاضر به شرح و توصیف واقعیت‌ها بر اساس نظرسنجی از متخصصان و صاحبان نظران در حوزه کارآفرینی در کشور می‌پردازد، می‌توان روش بکار رفته در این پژوهش را «توسعه‌ای - توصیفی» دانست. جامعه آماری طرح شامل دو گروه اصلی رؤسا و اعضاء مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور و اعضای هیأت علمی دبیرخانه و شورای مرکزی طرح کاراد مستقر در سازمان سنجش آموزش کشور بوده است. نمونه‌های تحقیق شامل ۸۰ عضو هیأت علمی است که به روش خوشه‌ای و با رعایت نسبت متغیرهای اصلی در جامعه و نمونه‌گزینش شده‌اند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، پرسشنامه بوده که پایایی آن در اجرای آزمایشی ۰/۸۹ و پس از انجام اصلاحات پایایی پرسشنامه نهایی ۰/۹۷ به دست آمد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون تحلیل واریانس و تحلیل عاملی بهره گرفته شده است.

#### یافته‌های پژوهش:

سئوال پژوهشی اول: مؤلفه‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین چیست؟

بر اساس مطالعه و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از بررسی نظریه‌ها و سوابق پژوهشی مربوط، دو دسته کلی مؤلفه‌های بیرونی و درونی دانشگاه در نظر گرفته شده است که هر یک از

سؤال پژوهشی دوم: چه الگویی را می‌توان برای ایجاد دانشگاه کارآفرین ارائه کرد؟

از آنجا که ایجاد، توسعه و تقویت کارآفرینی در دانشگاهها به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر فرا روی سیاستگذاران و مدیران ارشد دانشگاهی قرار دارد و تاکنون توجه شایسته‌ای به تدوین مبانی نظری، طراحی الگوهای عملی و حتی پژوهشی‌های کاربردی در حوزه کارآفرینی دانشگاههای کشور صورت نگرفته است، لذا طرح حاضر با رویکردی سیستماتیک و با در نظر گرفتن مجموعه عوامل بیرونی و درونی دانشگاه، به شناسایی و تحلیل مولفه‌های اصلی و فرعی دانشگاه کارآفرین پرداخته است. و بر این اساس الگوی دانشگاه کارآفرین در شکل ۱ تدوین و ارائه شده است.

سؤال پژوهشی سوم: درجه تناسب الگوی پیشنهادی دانشگاه کارآفرین چقدر است؟

از نظر متخصصان کلیه مولفه‌ها (اصلی و فرعی) از میزان تناسب بالایی برخوردار بوده و با اطمینان ۹۹٪ (۰/۰۱ = ) مورد تأیید نمونه‌های تحقیق می‌باشند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی نهایی با ۸۳/۲ درصد مورد تأیید است.

سؤال پژوهشی چهارم: الزامات اجرایی الگوی دانشگاه کارآفرین چیست؟

مهم‌ترین الزامات اجرایی از نظر نمونه‌های تحقیق شامل اصلاح دیدگاه و نگرش مدیران ارشد آموزش عالی و دانشگاهها، اصلاح ساختارهای علمی - پژوهشی و اداری - اجرایی دانشگاهها، بهبود فرهنگ سازمانی حاکم بر دانشگاهها، برقراری ارتباط موثر بین دانشگاه و محیط و اعطای اختیارات و استقلال بیشتر به دانشگاهها می‌باشد. که طی هشت مرحله اصلی شامل: تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین در شورای دانشگاه، تشکیل ستادهای برنامه‌ریزی، تشکیل گروه‌های کاری، آماده سازی عوامل اجرایی، تدوین برنامه عملیاتی، اجرای آزمایشی الگو و انجام اصلاحات لازم، اجرای نهایی الگو و ارزشیابی، اصلاح و بهبود مستمر قابل اجرا و پیاده سازی است.

توسعه فرهنگ کارآفرینی، فراهم آوردن زمینه بروز و پرورش ایده‌ها و خلاقیت‌ها و ارائه خدمات علمی و تخصصی مورد نیاز جامعه مورد تاکید قرار گرفته است.

● ایجاد و توسعه کارآفرینی در دانشگاه مستلزم کاربرد رویکرد سیستمی و توجه به تمامی عوامل و مولفه‌های اصلی زمینه‌ای، درون‌داد، فرآیند، برون‌داد و پیامدهای دانشگاه می‌باشد.

● مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که زمینه ایجاد و تقویت کارآفرینی در دانشگاه را فراهم می‌سازد، شامل چهار مؤلفه فرعی چشم‌اندازها، تنظیم برنامه استراتژیک، طراحی ساختار مناسب و آماده سازی کلیه عوامل انسانی، سخت افزاری و نرم افزاری می‌باشد.

● مؤلفه‌های فرعی درون‌داد دانشگاه کارآفرین به ترتیب اهمیت چهار مؤلفه فرعی، عوامل انسانی، برنامه عملیاتی، امکانات و تجهیزات و منابع مالی شناخته شده است. این مولفه‌ها دارای روابط متقابل بوده و به طور مستمر با یکدیگر تعامل دارند.

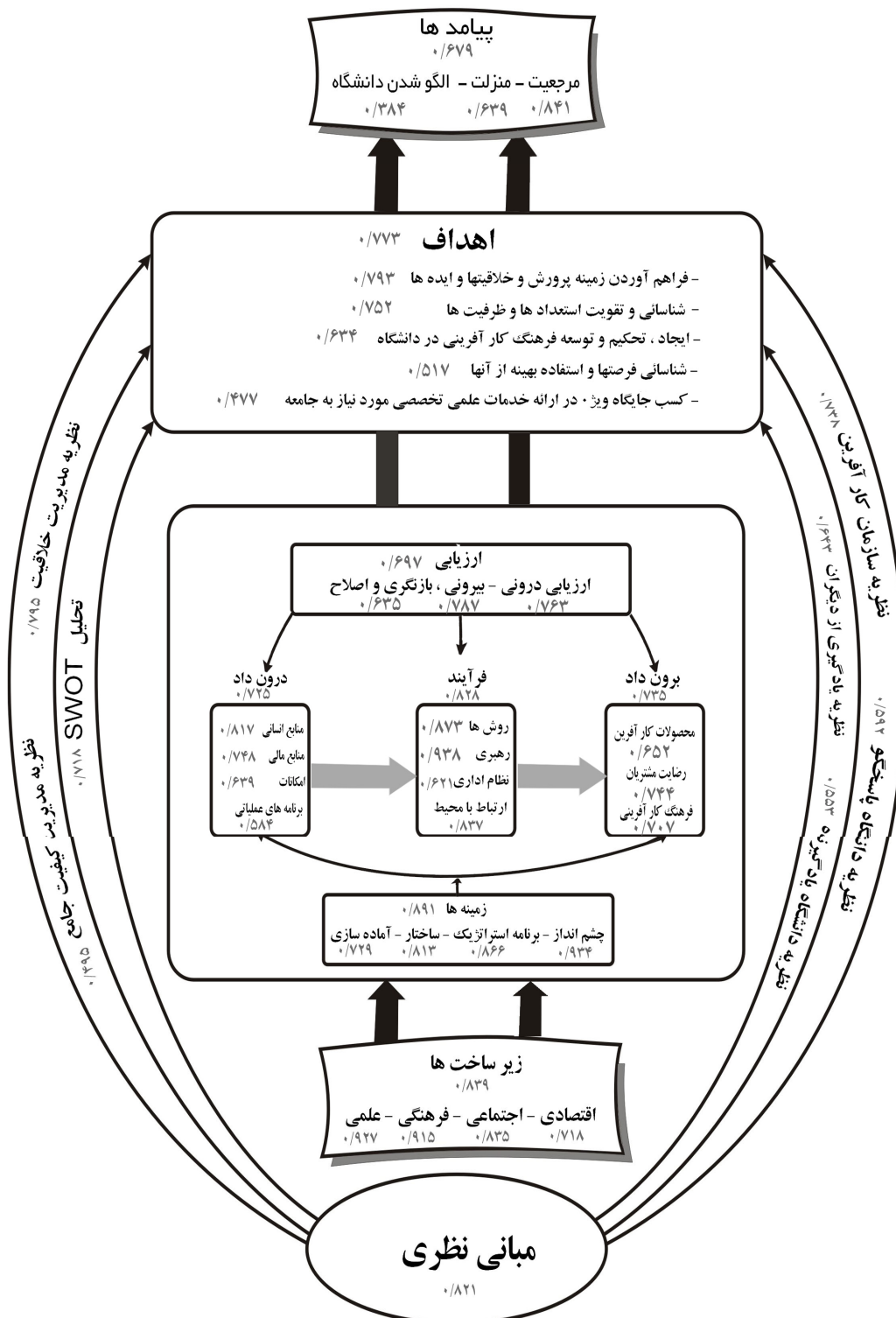
● مولفه‌های فرعی فرآیند شامل مجموعه‌ای از روش‌های علمی، پژوهشی و اجرایی، سبک‌های مناسب رهبری، نظام اداری متناسب و تعامل مستمر دانشگاه با محیط به دست آمده است.

● مؤلفه‌های برون‌داد نیز دربرگیرنده چهار عامل محصولات کارآفرین (فارغ‌التحصیلان، پژوهش، خدمات تخصصی) رضایت مشتریان (داخلی و خارجی) و توسعه فرهنگ کارآفرینی می‌باشد.

● دانشگاه کارآفرین به منظور رشد و بهبود مستمر خود نیازمند طراحی فرآیندهای دقیق ارزیابی و توسعه است. در این راستا سه مولفه ارزیابی درونی، ارزیابی بیرونی و بازنگری و اصلاح مستمر شناسایی و مورد تایید قرار گرفته است.

● عملکرد دانشگاه کارآفرین بر اساس ویژگی‌ها و مولفه‌های فوق منجر به پیامدهایی می‌گردد که در بلندمدت موجب مرجعیت دانشگاه، افزایش جایگاه و منزلت دانشگاه و در نهایت تبدیل شدن دانشگاه به عنوان یک الگوی عملی و عینی کارآفرینی برای سایر سازمان‌ها می‌گردد.

شکل ۱: الگوی دانشگاه کار آفرین



\* اعداد و ارقام نشان دهنده بار عاملی است.



## بحث و تفسیر

تقاضای روزافزون اجتماعی، کمبود و محدودیت منابع، گسترش سریع مرزهای دانش بشری و در نتیجه دانایی محور شدن کلیه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ظهور پر قدرت رقبای دانشگاهی حقیقی و مجازی و افزایش انتظارات اجتماعی و ضرورت پاسخگویی دانشگاه‌ها و ... موجب گردیده است مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش عالی بیش از پیش به خلاقیت و نوآوری در تامین و تخصیص بهینه منابع مالی و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و متناسب با نیازهای محیطی و درونی دانشگاه روی آورند.

ایجاد و توسعه مفهوم «دانشگاه کارآفرین» به عنوان یکی از ضرورتها و راهکارهای اساسی در پاسخگویی به شرایط فوق بوده است. دانشگاه کارآفرین به عنوان یک نهاد علمی، پژوهشی و تخصصی ضمن پرداختن به کارکردهای سنتی و مرسوم خود، به مفاهیم، الزامات و ویژگی‌های کارآفرینی در تمامی فعالیت‌ها توجه ویژه می‌نماید.

مفهوم کارآفرینی در دانشگاه مستقیماً متأثر از نظریه سازمان کارآفرین بوده و مبانی نظری آن نیز از مفاهیم و اصول بنیادین آن نشأت گرفته است. با این وجود مفهوم دانشگاه کارآفرین به تدریج تمایز و استقلال خود را بازیافته و امروزه به عنوان یک حوزه مشخص و تعریف شده علمی در مجموعه ادبیات آموزش عالی شناخته می‌شود.

نظریه‌های دانشگاه کارآفرین را می‌توان به چند دسته اساسی طبقه‌بندی نمود.

برخی از نظریه‌های ارائه شده الگوی‌های کلان و مفهومی دانشگاه کارآفرین را عرضه نموده‌اند.

گروهی دیگر از صاحب‌نظران توجه و تأکید اساسی خود را در بیان و تحلیل روابط درون - دانشگاهی کارآفرینی قرار داده‌اند. و تلاش نموده‌اند تا ساز و کارهای کارآفرینی را در مجموعه روابط و متغیرهای آموزشی و پژوهشی آموزش عالی شناسایی و عرضه نمایند. برخی دیگر از نظریه‌ها به آموزش کارآفرینی در دانشگاه پرداخته‌اند تعدادی از الگوهای دانشگاه کارآفرین مسئله مدیریت و رهبری دانشگاهی را در کانون توجه و مطالعات خود قرار داده و از طریق تجزیه و تحلیل موضوعات سازمانی و مدیریتی به گسترش مفهوم و فرهنگ دانشگاه کارآفرین کمک نموده‌اند. ایجاد و گسترش کارآفرینی در دانشگاهها مستلزم توجه همزمان به تمامی ابعاد زیرساختی، زمینه‌ای، درون دادی، فرآیندی، برون دادی، ارزیابی و پیامدهای دانشگاه کارآفرین می‌باشد. علاوه بر این اجرا و پیاده سازی الگوی

دانشگاه کارآفرین نیازمند تدوین سیاست‌ها و چشم اندازهای کارآفرینی، انجام مطالعات درونی و بیرونی، تدوین برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی خاص هر دانشگاه و اجرا و ارزیابی مستمر این برنامه‌ها است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به خلاصه نتایج حاصل از مطالعات نظری و پژوهشی فوق و سایر نظریه‌ها و تحقیقاتی که در فصل دوم گزارش پژوهش ذکر گردیده است، ملاحظه می‌شود که یافته‌های این تحقیق مورد تأیید و حمایت نظریه‌های موجود و مطالعات و پژوهش‌های انجام شده قبلی می‌باشد.

گر چه هدف کلی این طرح تدوین الگوی دانشگاه کارآفرین بوده است، با این وجود می‌توان از مطرح نمودن و آشکار سازی اهمیت و ضرورت توجه به کارآفرینی در دانشگاههای کشور، به عنوان هدف نهایی آن یاد کرد. بدیهی است بالندگی و نمو این هدف مستلزم تلاش‌های علمی گسترده‌تر و انجام پژوهش‌های بیشتر است. بی‌گمان چنانچه نتایج این طرح به توجه بیشتر پژوهشگران، برنامه‌ریزان و مدیران آموزش عالی به ضرورت کارآفرینی در دانشگاههای کشور منجر گردد، هدف نهایی این پژوهش محقق شده است.

## پیشنهادها و توصیه‌های کاربردی

- از آنجا که «آماده سازی» از مهمترین عوامل و مراحل زمینه ساز کارآفرینی در دانشگاهها به شمار می‌آید. بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان دانشگاهی به ابعاد مختلف آماده سازی که در این طرح شناسایی شده‌اند، توجه نموده و زمینه را برای ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی در تمامی شئون و فعالیت‌های آموزش و پژوهش دانشگاه فراهم سازند.

- دانشگاهها در برنامه‌های توسعه بلند مدت و استراتژیک خود، کارآفرینی دانشگاه را به عنوان یک محور اساسی مد نظر قرار دهند.

- با تأسیس مراکز رشد، امکانات و منابع مورد نیاز برای فعالیت موثر دانشجویان، اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاهی در این مراکز تامین می‌گردد.

- به منظور بیان ضرورتها و جلب توجه جدی مسئولان و مدیران ارشد آموزش عالی و همچنین افزایش سطح دانش، بینش و مهارت‌های کارآفرینی آنان، مجموعه متنوعی از برنامه‌های آموزشی و ترویجی شامل نشست‌های تخصصی،

- دانشگاهها ضمن تأمین مالی و امکانات فیزیکی لازم، نیروهای انسانی متخصص، خلاق و علاقمند را به امر ایجاد و توسعه کارآفرینی اختصاص دهند.
- تمهیداتی اندیشیده شود که کارآفرینی به عنوان یک رسالت و مسئولیت جمعی تمامی اعضاء دانشگاهی تلقی گردد.
- بخشی از اعتبارات پژوهشی دانشگاه به اجرای طرحهای تحقیقاتی در حوزهها مختلف کارآفرینی اختصاص داده شود.
- به منظور اشاعه فرهنگ کارآفرینی در بین دانشجویان، اعضاء هیأت علمی و کارکنان دانشگاهی در تمامی رشتههای علمی و تحصیلی برنامهها و اقدامات مقتضی پیش بینی و اجرا گردد.
- کانالهای ارتباطی موثر و سازنده بین دانشگاهها، مراکز کارآفرینی، انجمنهای علمی و متخصصان جامعه طراحی و برقرار گردد.

- گردهماییها، سخنرانیها و کارگاههای آموزشی در سطوح متفاوت مدیران عالی، میانی و عملیاتی دانشگاهها برگزار گردد.
- اجرای طرحهای مطالعاتی منظم و جامع برای شناسایی، جمعآوری و بومی سازی تجربیات موفق سایر کشورها و دانشگاههای خارجی در ایجاد و توسعه طرحهای کارآفرینی دانشگاهی با مدیریت نهادهای ملی برنامه ریزی آموزش عالی کشور اجرا گردد.
- ساختارهای سازمانی و اداری دانشگاهها مورد مطالعه و مهندسی مجدد قرار گرفته و اصلاحات لازم به منظور حمایت از فرهنگ کار آفرینی و فعالیت های کارآفرینان دانشگاهی به عمل آید.
- دانشگاههای کشور تمهیدات لازم را برای برقراری، حفظ و گسترش ارتباط نزدیک و مستمر با بخش های مختلف صنعتی و خدماتی جامعه اندیشیده و اقدامات لازم را به عمل آورند.

### منابع و مأخذ

۱. آراسته، حمیدرضا، کارآفرینی و آموزش عالی: اصول و موانع، فصلنامه رهیافت، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۲.
۲. احمدپورداریانی، محمود، ناهید شیخان و حجت اله رضازاده، تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۳. رضانی، رضا، مشکلات کنونی دانشگاهها و نظام توسعه علمی کشور، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال هشتم شماره ۲۵، پاییز ۸۱.
۴. سازمان برنامه و بودجه، تعاریف اقتصادی - اجتماعی واژههای برنامه ریزی و بودجه ریزی، دفتر بهبود روشهای برنامه ریزی بودجه و نظارت، ۱۳۶۱.
۵. سانپال، بیکاس، سی، نوآوری در مدیریت دانشگاهی، ترجمه ویدا میری و عبدالرحیم نوه ابراهیم، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۷۹.
۶. شفیعی، مسعود، ارتباط صنعت با دانشگاه، آینده ای تابناک، پیشینه ای تاریک، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۷. عزیزی، محمد، «بررسی و مقایسه زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی»، تهران، شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۸. کریمیان اقبال، مصطفی، نقش پارک های علمی در توسعه اقتصادی و صنعتی کشورها، بولتن شماره ۲۲ صنعت کوچک و متوسط برای آسیا و اقیانوس آرام (ESCUP) اجلاس کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام، ۱۳۷۶.
۹. محدث، جواد، نقش انکوباتورها در ایجاد اشتغال، مجله کار و جامعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، آذر ۸۱.
۱۰. مقیمی، سید محمد؛ نقش دولت در توسعه آموزش کارآفرینی، تدبیر شماره ۱۱۶، مهر ۸۰.
11. Baldwin F. Tools for entrepreneurship, Appalachia, Vol. 33, No. 3 pp: 16-23, (2000).
12. Barry Chambers, The American Bulgaria University AS A Entrepreneurial University, Higher Education in Europe, V26 n2, 2002, P108-118.
13. Benet. Kristensen, The Entrepreneurial University as a Learning Organization, Higher Education in Europe, V24, 1999, PP 35-41.
14. Clark, Burton R. Creating Entrepreneurial universities, Pergamon, 1998, Chapter 3, pp 39-61.
15. Deem, Rosemary, Globalization, New Managerialism, Academic Capitalism and Entrepreneurialism in universities: Is the Local Dimension Still Important?, Comparative Education, V37 N1, 2001, P12-17.
16. Entrepreneurial University / Temporary Entrepreneurial Places, WWW.CTIT.Iddo Bante. 2004.
17. Timmons, J venture capital: The state of the Art Entrepreneurship. Boston, : 1992
18. Vyzoka A. The Future role of Universities in an innovation of based era. University of Minnesota, (2004).